

معماری علیه اقلیم یا همساز با اقلیم

سیرا ناموراصل / کارشناس ارشد و پژوهشگر معماری



کره ی زمین، خانه و سرپناه تمام موجودات زنده، دارای آب و هوا (یا همان اقلیم)، بسیار متنوعی می باشد، که این تفاوت خود باعث به وجود آمدن شرایط محیطی متعدد میشود. انسان، این موجود دویای دارای فهم و ادراک، از دیر باز به دنبال سرپناهی برای خود بوده است، از انسان های نخستین گرفته که به غارها پناه بردند تا انسان های معاصر که به برج ها کوچ کرده اند. اما نکته ی قابل توجه ای که در تمام اعصار به آن توجه شده، همین اقلیم است. انسان ها با توجه به آب و هوای غالب بر محیط زندگی خود دست به ساخت و ساز میزدند، و همیشه به دنبال راه حلی بودند برای همساز شدن با اقلیم، گاه با آن مقابله و گاه از آن استفاده می کردند.

انقلاب صنعتی انسان را وارد عصر تازه ای میکند، در این عصر بشر تمام سعی و تلاشش را در راه رسیدن به آسودگی و رفاه بیشتر خرج کرد، بی انصافی بزرگی است اگر بگویم در این راه کاملاً شکست خورده، اما با وارد شدن صنعت و مصالح صنعتی به بازار توجه به نکات ریزی مثل زیبایی، تناسب، اقلیم و... تا حدی از یادها رفت. زمانی که استفاده از مصالح جدیدی مثل آهن، بتن و پلاستیک در ساختمان سازی باب شد و این باور در بین مردمان جا افتاد که این مصالح از استحکام بیشتری نسبت به مصالح پیشین برخوردار هستند، دیگر کمتر کسی به این نکته توجه کرد که آیا این مصالح متناسب با اقلیم منطقه نیز می باشند؟ نادر خلیلی بارها در مصاحبه های خود گفته است که آهن و بتن نه تنها امنیت بیشتری ندارند بلکه در مواقعی مثل وقوع زلزله میتواند خطرناک تر نیز باشد. با نگاهی کوتاه به پیشینه ی معماری ایران زمین میتوانیم دریابیم که ما ایرانی ها چه انسان های هوشمند و زیرکی بودیم، چرا که با کمترین امکانات همیشه بهترین ها را می ساختیم. مردم قدیم ایران با چشمانی باز به اطراف خود نگاه میکردند، نعمت های خدادادی که به رایگان در اختیارشان بود را میدیدند و از آن ها استفاده میکردند، عناصری مانند: خاک، آب، آتش، آفتاب، باد، باران، سنگ و ...

آنها با علم به وجود این عناصر دست به ساخت و ساز میزدند و

قرار دادند و در کل خانه رهاش کردند. گاه از سطح زمین فاصله می گرفتند و خانه های خود را بر روی پیلوت می ساختند که رطوبت بتوانند به راحتی عبور کند و مخل آسایش آنها نشود و گاه زمین را میکندند و گودال باغچه ها را به وجود می آوردند.

اگر مساجد شهرهای مرکزی ایران پوشیده از کاشی و آجر بودند، مساجد در شهرهای شمالی کشور یافت می شد که مصالح اصلی آن چوب با سقف های شیبدار بود.

ایران جز آن کشورهایی می باشد که از تنوع اقلیمی بالایی برخوردار است، در یک دسته بندی کلی از هر چهار اقلیم سرد کوهستانی، گرم و خشک، گرم و مرطوب و معتدل و مرطوب برخوردار است.

که هر بخش از این مناطق دارای معماری خاص خود می باشند و این معماری برگرفته از مصالح موجود و اقلیم خاص آن منطقه است. اما متأسفانه امروزه به هر شهری از ایران که سفر کنید یک معماری را می بینید، ساختمان هایی با نماهای رومی و سنگی. دیگر خبری از خانه های خشتی یا آجری قدیم که گرما و سرما را در خود نگه میداشت، نیست. سقف های شیب دار تبدیل شده اند به نمادی از توانگری و در جاهایی که به هیچ وجه نیازی به آن نیست از سقف های شیب دار استفاده کرده اند. شاید یکی از دلایل رو به افول رفتن معماری معاصر را بتوان همین دانست که در قدیم مردم علاوه بر زیبایی به این نکته بسیار توجه میکردند که از چه طریقی می توان با مصالح بوم آورد معماری متناسب با اقلیم آن منطقه را ایجاد کرد، چیزی که در عصر حاضر حتی سر سوزنی به آن توجه نمیشود و تنها به این توجه می شود که چگونه یک ساختمان را به هر قیمتی مجلل تر نشان بدهند.

ما معماران بزرگی داشته ایم و داریم که تمام زندگی خود را صرف این مسئله کردند و بارها در مقالات و پروژه های مختلف این مهم را یادآور شده اند. ای کاش به جای خلق آثار به ظاهر نوآورانه، دست به خلق اثری میزدیم که متناسب با این آب و خاک باشد.

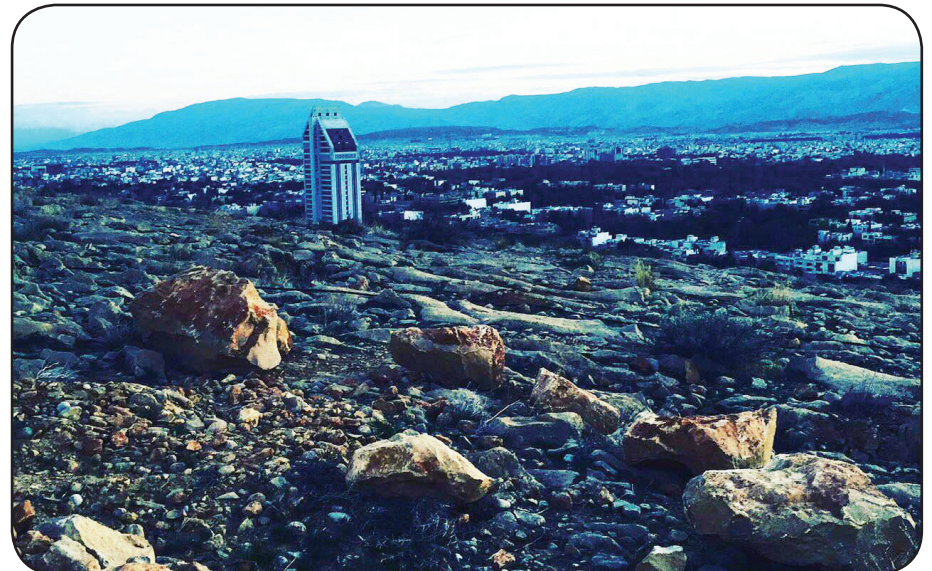
میدانستند که اگر تابش شدید خورشید را دارند با ایجاد دیوار های بلند و ساباط ها میتوانند ایجاد سایه کنند، میدانستند در چنین آب و هوایی خشت و آجر بهترین مصالح مورد استفاده می باشد. در سر راه بادهای تند در حال وزش آس ها را قرار دادند و باد را به کار گرفتند، یا در جایی دیگر بادگیرها را قرار دادند و با گیر انداختن باد و ایجاد تغییر در مسیر آن، این عنصر سرکش را رام خود کردند، آب را سر راهش

رنگ هر گنبدی ستاره شناسی

حمیدرضا شیبانی / پژوهشگر شهرسازی

عکس / صبا میرزایی: هنگامی که مبحث اقلیم مطرح می شود کلمات و واژگانی از قبیل: مختصات جغرافیایی، آب، هوا، پوشش گیاهی، جهت تابش خورشید و... در ذهن تداعی میشود. اما کمتر به موضوع رنگ در اقلیم و جغرافیا پرداخته شده است همانگونه که خود بحث «رنگ» هم در چارچوب روانشناسی رنگ محدود شده است. ما از پالت رنگ های ایرانی شاید فیروزه ای، ارغوانی و... را بشناسیم. این درحالی است که در آخرین پژوهش های خود نسبت به موضوع رنگ در تمدن ایران به بیش از یکصد و سی و پنج رنگ در پالت رنگی این تمدن ارزشمند رسیده ام. امید به روزی که این خرده فرهنگ ها را بهتر بشناسیم و از آن ها استفاده کنیم. باز می گردیم به بحث رنگ در اقلیم و طبیعت در شهرهایمان، مناظر طبیعی شهری نیز از مهم ترین عوامل ایجاد کننده ی رنگ در شهر هستند، رنگ های مناظر طبیعی در شهر فعال و متغیر بوده و در فصول مختلف سال موجب تنوع رنگی در محیط می شوند. رنگ آمیزی شهر با توجه به شرایط محیطی و با تکیه بر خاطره و منظر ذهنی شهر شکل می گیرد. چنانکه طبیعت در اقلیم های مختلف به صورت های متفاوت و با رنگ ها و نورهای گوناگون نمایان می شود. مناظر طبیعی شهر شامل عواملی چون «عوارض جغرافیایی»، «توپوگرافی زمین»، « نزدیکی به

آب ها»، «طول و عرض جغرافیایی»، «ارتفاع از سطح دریا و زمینه طبیعی» بخشی از «تصویر ذهنی رنگی» از شهر می باشد و بر آن تأثیر می گذارد. شناسایی «طیف های رنگی موجود» در منطقه از طریق جمع آوری نمونه ها و طبقه بندی آن در لایه های مختلف شامل: لایه ی آسمان، لایه ی پوشش گیاهی، لایه ی عناصر کالبدی مصنوع و... به درک بهتر ما از رنگ اقلیم شهر منجر می شود. فضاهای سبز شهری، مهم ترین عنصر تأمین کننده تنوع رنگی هستند و در شکل دهی سیمای شهری نقش اساسی دارند. این عناصر می توانند شامل پوشش گیاهی و سایر عناصر طبیعی باشند. رنگ محلی یعنی تمامی مناظر، صداها، بوها، طعم ها، احساسات زمان و مکان، برخوردهای فیزیکی و روابط اجتماعی که فرد در مکان تجربه می کند، در این جا کل، معنایی فراتر از اجزای تشکیل دهنده ی خود می یابد، اما برای فهم بهتر این کل می توان از فهم اجزاء شروع کرد. برای مثال در هر جای دنیا وقتی صحبت از درخت سرو میشود به شیراز ختم می شود چنانکه حضرت حافظ در شعرهایش از سرو ناز برای استعاره از محبوب استفاده می کرد که خود بیانگر اصالت درخت سرو منصوب به شیراز است، نزدیک به فصل بهار می شویم و بوی بهار نارنج در کوچه باغ ها و حیاط هایی که هنوز حیات دارند استنشاق خواهد شد. اطراف



تأثیر اقلیم در شکل گیری خانه های برون گرای بوشهر

ادیان گورگی / کارشناس ارشد باستان شناسی

در دوران هخامنشی ایوان های ستون دار باشکوهی به کاخ پادشاهان الحاق شد تا بخش کوچکی از اوج شکوه و قدرت پادشاهان را به رخ جهانیان کشد و معماری ایرانی را به درون گرای و برون گرای تبدیل کند. این شرایط در دوران اشکانی و ساسانی نیز تکرار می شود، که در دوران اسلامی تغییرات اساسی در این تفکر به وجود می آید. تفکراتی برگرفته از هزاران سال تجربه در ساخت معماری مردمان ساکن در این سرزمین پهناور.

ایرانیان، همواره در معماری ایرانی دوران اسلامی در اندیشه حفظ حریم خصوصی در معماری خانه های خود بوده اند و این خصوصیت اخلاقی را به وضوح در معماری خانه های تاریخی کاشان، اصفهان، یزد، شیراز و... می توان دید که باعث شده به این سبک، معماری درون گرا گفته شود. ایده ساخت هشتی در ورودی ها و یا دویخی کردن خانه ها به بخش خانوادگی و بخش مهمان پذیر در خانه های تاریخی، نشانه بارز این عقیده و برگرفته از این خصلت ایرانیان بوده و هست. تزئینات مفصل درون و سادگی نمای عمومی خانه های تاریخی نیز نشانه ایست دیگر بر این ادعا. در این میان معماری بوشهر در دوره قاجار تا حدودی متمایزتر از سایر معماری های همزمان با خود، خودنمایی می کند.

با روی کار آمدن نادرشاه افشار، بندر بوشهر وارد مرحله ای جدید از رونق تجاری می شود که این رونق در دوره قاجار به اوج خود می رسد. بافت تاریخی بندر بوشهر شامل چهار محله دهدشتی، شنبندی، بهبهانی و کوتی است که هر کدام از این محلات گنجینه ای از تاریخ و معماری ایرانی را در دل خود به امانت دارند. معماری ای که توانسته خود را با اقلیم جغرافیایی منطقه گرم و مرطوب حاشیه خلیج فارس سازگار سازد و در این بین بهترین سود را از عنصر طبیعی باد ببرد.

معمار ایرانی در بخش کویری این سرزمین برای فرار از گرما و بادهای گرم به زمین پناه برده و اقدام به ابداع معماری گودال باغچه کرده است.

